



به نظر من چشم‌انداز بلندمدت – حالا چه فرض کنیم که این بلندمدت، به قول شما ۵۰ سال است یا ۲۰ سال است – باید گسترش گفتمان فلسفه اسلامی در دنیا باشد؛ این را هدف قرار دهید. امروز مطلقاً اینجاور نیست، بلکه بر عکس است. یعنی امروز در ایران مثلاً در محیط‌های دانشگاهی و علمی ما فلسفه کانت به‌مراتب رایج‌تر و شناخته‌شده‌تر است از فلسفه

تبیین اسلامی از استقرا و تجربه

«تجربه» روش استدلالی رسیدن به یقین



تحلیل
محمد خدایرست

فلاسفه مسلمان در پی رسیدن به مسیرهای منطقی‌انکشاف اصول قابل اتکا و گزاره‌های شناختی صحیح، تلاش فراوان نموده‌و ادله وروش های خود را ارائه کرده‌اند. در میان روش‌های منطقی تبیین گزاره‌های علمی «استقراء» (روش رسیدن از جزئی به کلی) و «قیاس» (روش رسیدن از کلی به جزئی) بیش‌تر ین بحث‌انگیزی‌را داشته‌اند و مورد مناقشه فلاسفه در طول تاریخ بوده‌اند. پیشتر در صفحه اندیشه بیان شد که غرب در

■ تلاش برای رفع مشکل استقرا

مشکل استقرا را می‌توان از جمله مسائلی دانست که فیلسوفان برای حل آن کوشیده‌اند. اینکه آیا می‌توان با مشاهده جزئیات به دانش کلی و یقینی دست یافت، مسئله‌ای بوده که در تمام اعصار ذهن فیلسوفان را به خود مشغول داشته است، چراکه استقرا روشی در استدلال است که ذهن را با توجه به معلومات موجود به کشف مجهولات راهنمایی می‌کند و اما عمده اهل منطق آن را مفید برای ظن ارزیابی می‌کنند، نه یقین و تنها قیاس را مسیر قطعی رسیدن به یقین تصور می‌نماید. این در حالی است که در یافته‌های علمی و مواجهه با رفتارهای طبیعی و انسانی، استقرا روشی بسیار کارآمد است و منجر به شناخت و پیش‌بینی ما از رفتار کائنات شده است. به همین منظور برخی فلاسفه بر آن شدند تا از رهگذر منطق، به روش استدلال حجت یقینی ببخشند و آن را در کنار قیاس قرار دهند.

ابن‌هرس فارابی نیز به عنوان یکی از اولین فلاسفه ایرانی و پیرو مشرب فلسفی ارسطو کوشید فهم خود را از این مسئله تبیین کند. وی ابتدا استقرا را در قالب قیاس تبیین کرد تا بتواند نتیجه آن را یقینی‌ کند اما خود به ناکارآمدی این روش معترف شد. سپس با تلفیق استقرا و تمثیل روشی جدید را پیشنهاد کرد.

بیان فارابی در خصوص چیسیتی استقرا از این قرار است: «استقرا عبارت است از بررسی اشیایی که تحت امر واحدی هستند برای روشن ساختن درستی حکمی که به آن امر به آن نفی یا اثبات نیست داده می‌شود. پس اگر بخواهیم چیزی را برای امری اثبات کنیم یا از آن نفی کنیم؛ اشیایی را که آن شامل آنهاست جست‌وجو می‌کنیم؛ پس اگر برای آن شیء را برای تمام یا اکثر آنها یافتیم، آن گاه با استفاده از آن وجود آن چیز را برای آن امر تبیین می‌کنیم یا آن را جست‌وجو می‌کنیم و اگر آن شیء را حتی در یکی از آنها نیافتیم، با استفاده از آن تبیین می‌کنیم که آن شیء برای آن امر موجود نیست.» وی سپس با ارائه مثالی به تبیین استقرا می‌پردازد و می‌گوید اگر بخواهیم صحت این حکم را که «هر حرکتی در زمان رخ می‌دهد» از طریق استقرا

بیان کنیم لازم است انواع حرکت از جمله راه رفتن، پرواز کردن، شنا کردن و سایر حرکات بررسی شوند؛ اگر همه آنها در زمان روی دهند به این نتیجه می‌رسیم که حرکت در زمان روی می‌دهد.

وی ابتدا تلاش می‌کند برای تبیین استقرا، قیاسی تشکیل دهد و قوت استقرا را به دلیل وجود قیاسی می‌داند که ضمن تبیین استقرایی مشکل می‌گیرد، چراکه قیاس تنها استدلال یقین آور است و اگر استقرا را به آن متصف کنیم شاید بتوان به آن نیز استناد قطعی کرد. در استدلال قیاسی که فارابی طرح می‌کند، اشیای مورد بررسی حاصل از استقرا حد وسط قرار می‌گیرند؛ در این صورت چنین استدلالی شکل می‌گیرد:

۱- هر حرکتی شامل راه رفتن، پرواز کردن، شنا کردن و مانند آن است. (صغرای قیاس)

۲- راه رفتن، پرواز کردن، شنا کردن و مانند آن در زمان رخ می‌دهند. (کبرای قیاس)

گسترش گفتمان فلسفه اسلامی چشم‌انداز ماست

بوعلی سینا، یعنی ابن‌سینا با این عظمت که همه تاریخ بشر، از هزار سال پیش به این طرف با اسم او در گیر است، در مجامع دانشگاهی ما حکمت و فکر فلسفی‌اش شناخته شده نیست به آن اندازه‌ای که کتاب فکر فلسفی مثلاً کانت شناخته شده است. این یک مسئله مهم است. ما باید عکس این را عمل کنیم، یعنی باید هدف را این‌ن قرار بدهیم که تفکر فلسفه اسلامی – حالا با همان مشخصاتی که دارد

بیانات رهبر انقلاب در دیدار اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی: ۹۱/۱۱/۲۲



محسن ردادی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در یادداشتی به تحلیل وقایع اخیر پرداخته است که در ادامه از نظر می‌گذرد.

در این ۹ روز اخیر به اندازه ۹۰ سال حادثه عجیب و بی‌سابقه اتفاق افتاده است. چیزهایی که باید نسل‌های بی در پی می‌دیدیم، در این چند روز مثل قیلمی که روی دور تند گذاشته باشند را شاهد بودیم. یکی از آنها «مرگ یک قهرمان» بود. شهید سلیمانی که عمری را با شجاعت برای خدا و مردم مسلمان جنگیده بود، ناجوانمرانه توسط شرورترین افراد به شهادت رسید. مردم پاس این قهرمان ملی را بجا آوردند و با تشییع بی‌سابقه نشان دادند به‌رغم تمام تبلیغات رسانه‌های بیگانه در شناخت دوستان صادق و دشمنان مکار، بصیر و آگاه هستند.

در تاریخ ثبت شد وقتی زمان مرگ یک قهرمان فرا برسد، چگونه می‌میرد. مردم ایران به دنیا آموختند چگونه باید قهرمان را حمایت کرد اما این سؤال همچنان مطرح است که قهرمان چگونه آغاز می‌شود؟ چگونه یک انسان عادی تبدیل به قهرمان می‌شود؟

دیروز که نشست خبری سردار «حاجی‌زاده» برگزار شد، یک اتفاق نادر در دنیا رقم خورد. در میانه و بحبوحه جنگ، یک سردار خط مقدم پشت تریبون آمد و رو به رسانه‌ها ایستاد و «مسئولیت خطا» را پذیرفت. پذیرفت که در مجموعه تحت مدیریت او خطایی مرگبار رخ داده است و اعلام کرد برای هر نوع عقوبتی آماده است. آیا سردار حاجی‌زاده نمی‌دانست اگر «صادقانه» رفتار کند و به جای انکار، حقیقت را بگوید، کینه‌های خفته در این ۴۰ سال علیه جمهوری اسلامی فوران می‌کند؟ آیا نمی‌دانست در این یک هفته گذشته، تصاویر حضور مردم برای تشییع قهرمان ملی سپاهی، چه‌ها بر سر ضدانقلاب آورده و اکنون فرصتی برای تخلیه این فشارها به دست آورده‌اند؟ می‌دانست، اما صداقت و تعهد به حقیقت – حتی اگر تلخ باشد- از ویژگی‌های قهرمانان است.

اتفاق بی‌سابقه دیگر این بود که سردار حاجی‌زاده فراقفتی نکرد، هیچ گناهی را به دیگران نسبت نداد و صریح اعلام کرد مقامات دولتی و بخش غیر نظامی هیچ گناه و قصوری مرتکب نشده‌اند. این دیگر واقعا بی‌سابقه است! در این کشور، سیاست‌بازان یا حقیقت را پنهان یا پنهان می‌کنند یا حداقل گناه را به گردن رقیب‌ای می‌اندازند و دیگران را مقصر می‌دانند. اگر کشور دچار مشکل

جای داده شوند. فلاسفه علوم اسلامی اما از همان ابتدا منطق کلامی خود را بر پایه قیاس بنا نموده و مبتنی بر اصل علیت، تمامی گزاره‌های مبنایی خداشناسی را به اثبات رساندند. اما در مقابل امکان رسیدن به شناخت از طریق «استقرا» نظرات متفاوتی میان عالمان اسلامی مطرح شد که به رد یا تأیید مطلق آن به عنوان ابزار قطعی شناخت انسان منجر نگردید. در نوشتار پیش‌رو برخی از این نظریات مرور می‌شود.

ویژگی‌هایی از برهان را نیز دارد، لذا حد واسط و پل ارتباطی بین استقرا و برهان محسوب می‌شود. این سینا که اهتمام خاصی به بیان ویژگی‌های تجربه دارد؛ در منطق شفا و اشارات تأکید می‌کند از ویژگی‌های تجربه شناخت علیّی سپس یقین حاصل از آن است که البته این سینا آن را مشروط می‌داند. او در شفا می‌نویسد: «تجربه تنها به دلیل کثرت مشاهدات تولید علم نمی‌کند، بلکه به سبب همراهی با قیاس بیشتری به تجربه پرداخته است و آن حال کلیت ناشی از تجربه، به کلیت قیاسی مطلق نیست و کلیت مشروط است.»

در این زمینه ابن سینا نگرش ارسطویی را در خصوص کارکرد تجربه تا حدودی مورد تجدیدنظر قرار می‌دهد، چراکه ارسطو در فرایند تجربه نه تنها قابل به شناخت علی و کلی نیست بلکه تنها علم قیاسی است که به شناخت کلی و علمی (به معنای حکمت) می‌رساند، اما ابن سینا به عنایت بیشتری به تجربه پرداخته است و آن را در شناخت علمی و کلی نیز مفید دانسته و حتی در مواردی قادر به شناخت ذاتی اشیا نیز است.

دیدگاه ابن سینا در خصوص تجربه مبنای فلسفی فلسفه مشاء و حتی حکمت اشراق نیز قرار گرفته است و فلاسفه‌ای چون سهروردی چیزی از آن کسر یا بر آن افزون نکرده‌اند.

■ ویژگی‌های تجربه

با توجه به ماهیت تجربه چنانچه شرح شد می‌توان آن را واجد شرایط مهمی دانست که عبارتند از: مشاهدات مکرر حسی، استفاده از قیاس خفی، کاربرد علیت در آن، مبدئیات برای برهان، حجت در زندگی عملی انسان این موارد نشان می‌دهد تجربه را ضروریات زندگی انسان است که با حذف آن زندگی دچار نقص اساسی می‌شود. به قول ابن سینا تجربه از آنجا که مخلوطی از قیاس و استقراست، به واسطه دریافت حسی و تکرار آن برای عقل این امکان فراهم می‌شود تا به احکام تجربی نائل شود. او وجود علیت را عامل بسیار مهم حجت بخشی به تجربه می‌داند و معتقد است این وجود علیت جداکننده مفهوم تجربه از «دراکات حسی» است. چون وجود علیت باعث می‌شود ما ذات شیء را درک کنیم و از خطاهای ادراکی برحذر باشیم.

در واقع از طریق علیت و سبب است که نتیجه حاصل از استنتاج تجربی می‌تواند دارای درجه مهمی از یقین شود. نهایت آن که در نگاه فلاسفه اسلامی نه تنها تجربه ابزاری یا ناکارآمد برای شناخت یقینی به حساب نمی‌آید، بلکه اکثر فلاسفه مسلمان معتقد به حجت آن هستند. این مسیر نه تنها می‌تواند مشکل شناختی که استقراگرایان به فلاسفه مسلمان در خصوص ناکارآمدی قیاس وارد می‌کنند مرتفع سازد، بلکه با توجه به رابطه علیتی که بین مشاهده تجربی با مشاهده شونده برقرار می‌شود درجه بالاتری از یقین را برای مشاهده برقرار می‌سازد. ضمن اینکه تجربه بر خلاف ادعای برخی افراطیون استقراگرا تنها مسیر شناخت نیست و مستلزم حذف سایر روش‌های شناخت نیست.



استرس جنگی قرار می‌گیریم احتمال وقوع خطا و مرگ‌بار بودن خطا افزایش می‌یابد. انسان مبرا از اشتباه و خطا نیست، اما قهرمان کسی است که خطا را شجاعانه می‌پذیرد، صادقانه مسئولیت بر عهده می‌گیرد و برای پذیرش عقوبت متناسب آماده است. این را بغذازی‌د در کنار این موضوع که بخش هوافضای سپاه به دلیل رشادت در برابر دشمن در معرض دریافت افتخار است و افراد کمی هستند که حاضرند با صرف نظر کردن از موقعیت سرفرازی و دچار شدن به وضعیت شرمساری ناشی از پذیرش خطا؛ا گفتن حتی درونی کوچک سر باز زنند. همانطور که اشاره شد قرار نیست خطاها نادیده گرفته شوند اما حواسمان باشد این واکنش ماست که به مسئولان نشان می‌دهد در آینده چگونه باید با مردم سخن بگویند؛ با دروغ، فراقفتی، کتمان یا صداقت و بیان تمام حقیقت؟

«هوقی که اطمینان پیدا کردم این اتفاق اسقوط هواپیمای مسافربری با موشک افتاده، واقعا برای خودم آرزوی مرگ می‌کردم. ای کاش می‌مردم و چنین حادثه‌ای را شاهد نیودم. ما یک عمر خودمان را پیش‌مرگ مردم کردیم و امروز هم آبرویمان را با خاوندن معامله می‌کنیم.» سردار حاجی‌زاده ابتدای سخنان خود این جملات را بر زبان راند. باید یادآوری کرد کسی که با خدا معامله می‌کند، زیان نمی‌کند- همانطور که سردار سلیمانی زیان نکرد- مردم متوجه هستند که شرایط جنگی چه وضعیتی است و مردم قطعاً دم متلاشی می‌شود، در حالی که اینطور نبود. این رفتارها در سرزمینی که سیاست‌بازان با تهمت سعی می‌کنند تاحد ممکن شریک جرم برای خود دست و پا کنند کاملاً رفتاری غیرمعقولانه است! این نوشتار در پی کمرنگ کردن اشتباه صورت گرفته نیست – که همه مسئولان بر سرگیدی دقیق به تخلفات و قصورهای صورت گرفته در این حادثه تأکید داشته‌اند و خوشبختانه سپاه و نیروهای مسلح خط قرمز هیچ جریان و گروه

تأملی در تولد وشهادت یک قهرمان

سیاست‌بازی نیست که بخواهند مسامحه به خرج دهند و از عقوبت کردن چشم‌پوشی کنند. این نوشته می‌خواهد یادآوری کند دوست و دشمن را دوباره گسم نکنیم و متوجه باشیم این فریاد خونیخواهی‌های غضبناک ضدانقلاب، نه از سر درد که از بسر کینه و دشمنی است. همان‌هایی که تا دیروز ورد زیانشان «خون به خون شستن محال آمد محال» بود، اکنون در پی تحریک خشم و دشمنی مردم هستند. حرف این است که اعتراف صادقانه سرباز وطن نباید باعث شود موبه‌های دروغین دشمنان مملکت – که بیش از همدردی ناشی از کینه‌از سپاه و جمهوری اسلامی است- را باور کنیم.

لطفاً صفحه‌های ضدانقلاب را در شبکه‌های مجازی مرور کنید. در اغلب موارد پیش از اینکه تسلیت بگویند و مانند مقامات لشکری و کشوری اظهار همدردی با خانواده‌های داغدار داشته باشند، با حمله به سپاه و جمهوری اسلامی آغاز می‌شود؛ لحن آنها بیش از آنکه همدلانه باشد، کینه‌توزانه است و کلماتشان بیش از آنکه سوز دل و داغ هموطن داشته باشد، اتش نفرت را آشکار می‌کند. در بیشتر این نوشته‌ها هم تأکید شده است در این چند روزه نتوانسته بودند چیزی بنویسند (چون حضور حماسی مردم آنها را ال گرفته بود) و می‌گویند اکنون زمان آن است که سکوت را بشکنند. همین نشان نمی‌دهد که نیت واقعی این افراد ضد انقلاب چیست؟

نیروهای مسلح در کوتاه‌ترین زمان ممکن (سه روز) که برای تحقیقات و اطمینان یافتن از علت حادثه لازم بود حقیقت را با مردم در میان گذاشت. هیچ‌کس انتظار ندارد بدون تحقیقات کافی و بررسی تمام مدارک، ادعایی مطرح شود، اعلام حقیقت ماجرا نیز با صداقت و آگاهی از عواقب و تبعات آن صورت گرفت و مشخص بود از امریکای چنانکتار تا غربرزدگان و ضدانقلاب‌های کینه‌توز چگونه از این اعتراف‌ها بهر ببر داری می‌کنند و چه ضرباتی قرار است از این قبل نثار نیروهای مسلح شود. با این حال مسئولی که اتفاق تلخ را تحریف یا پنهان نمی‌کند و حقیقت را می‌گوید، سایرین را بی‌گناه معرفی می‌کند، با اینکه دهها کیلومتر از محل حادثه دور بوده است اما تمام مسئولیت را بر عهده می‌گیرد و با زبان صادقانه با مردم سخن می‌گوید، یک قهرمان است، نه به خاطر خطایی که رخ داده، بلکه به دلیل واکنشی که نشان داده است. خطا غیرقابل اجتناب است و زمانی که در شرایط حساس و پر از

■ منبع: مهر